

# مشاعر

## و رویدادهای تاریخ معاصر ایران



امرداد ماه

به کوشش: مهدی انواری

غانة استقلال طلبی آذربایجان و کردستان، کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب سفید، جدایی بحرین از ایران و تأسیس اوپک اشاره نمود. شاه به طور رسمی در چهارم آبان ماه ۱۳۴۶ (بیست و شش سال پس از رسیدن به سلطنت) تاجگذاری کرد. وی در دی ماه ۱۳۵۷ و در زمانی که مخالفت گروه های مختلف سیاسی و مذهبی با حکومت پهلوی به اوج خود رسیده بود، همراه خانواده ایران را ترک کرد در حالی که سال ها از بیماری سرطان طحال رنج می برد. شاه پس از خروج از ایران ابتدا، برخلاف تمایل دولت آمریکا، به امید معالجه سرطان، خود را به نیویورک رساند و پس از آن به پاناما و مکزیک رفت. نهایتاً آنور سادات، رئیس جمهور مصر و از دوستان و نزدیکان شاه، درحالی که به علت

کرد. در این دوره مجموعه شعرهای «آیدا در آینه»، «درخت و خنجر» و «خاطره» را سرانید. پس از آن برای یک دوره چند ساله راهی اروپا و آمریکا شد. در اواخر سال ۱۳۵۷ و پس از سقوط حکومت پهلوی به ایران بازگشت و جلدهای اول و دوم «کتاب کوچه» را که مجموعه بی نظیری از اصطلاحات و نقل های کوچه و بازاری و گویش ها و مثل های قومی ایران است، انتشار داد. این مجموعه در زمان حیات شاملو تا حرف «ت» ادامه یافت و مرگ اجازه نداد که او این کار را به پایان برد. پس از مرگ شاملو، آیدا ادامه کار کتاب کوچه را به عهده گرفت.

احمد شاملو در غروب نهم مرداد ماه سال ۱۳۷۹ در منزلش در تهران دارفانی را وداع گفت.

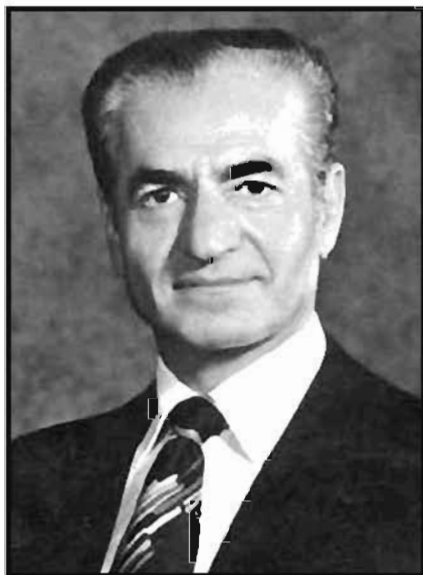


نهم مرداد - درگذشت احمد شاملو

احمد شاملو، شاعر معاصر، در ۲۱ آذرماه ۱۳۰۶ در تهران متولد شد. وی به علت شغل پدرش که افسر ارتش بود و دائم برای ماموریت به شهرهای مختلف فرستاده می شد، کودکی و نوجوانی اش را در گوشه و کنار ایران گذراند. در اوایل دهه بیست در حالی که جوانی بیش نبود به علت فعالیت های سیاسی علیه روسیه و انگلیس در شمال ایران به زندان متفقین افتاد. پس از آزادی، تا سال ۱۳۳۹، چند مجموعه شعر به چاپ رساند که مجموعه «هوای تازه» از آن جمله است. وی در اواخر دهه سی با طوسی حائری ازدواج کرد و پس از آن مجموعه «باغ آینه» را انتشار داد. در طی همین سال ها سردبیری ماهنامه اطلاعات و مجله فردوسی را عهده دار شد و چندی بعد با آیدا سرکیسیان ازدواج

### پنجم مرداد: درگذشت محمد رضا پهلوی

محمد رضا پهلوی، آخرین پادشاه ایران، در چهارم آبان ماه سال ۱۲۸۹ خورشیدی در تهران چشم به جهان گشود. وی پسر ارشد رضا شاه بود که پس از خلع وی از سلطنت در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ به حکومت رسید و مدت ۳۷ سال شاه ایران بود. دوره زمامداری وی همراه با تغییر و تحولات وسیع در کشور و نیز فراز و نشیب های فراوان بود. از آن جمله می توان به جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران در اوایل سلطنت وی،



بحران گروگان گیری دیپلمات های سفارت آمریکا در تهران هیچ کشوری حاضر نبود شاه را بپذیرد، وی را در مصر پذیرا شد. شاه در پنجم مرداد ماه ۱۳۵۹ برابر با بیست و هفتم آگوست ۱۹۸۰ در ۶۱ سالگی در قاهره درگذشت. جسد وی پس از تشییع جنازه رسمی از سوی دولت مصر در مسجد رفاعی قاهره به خاک سپرده شد. شاه در وصیت نامه خود درخواست کرده که جسد وی در خاک ایران دفن شود.



#### چهاردهم امرداد: پیروزی انقلاب مشروطه

پس از ترور ناصرالدین شاه توسط میرزا رضای کرمانی نه تنها استبداد سنتی قاجار فرو پاشید بلکه به روشنفکران، روحانیون و مردم ناراضی از ظلم و بی عدالتی حکومت قاجار فرصتی داد تا بتوانند حکومت استبدادی وقت را به حکومت مشروطه و پارلمانی تبدیل نمایند. زمانی که علاءالدوله حاکم تهران به بهانه گران شدن قند چند نفر از بازرگانان را در بازار تهران به چوب بست، این عمل او اعتراض روحانیون، بازاریان، و روشنفکران را برانگیخت به طوری که از مظفرالدین شاه خواستار عزل عین الدوله، صدر اعظم مستبد وی و تشکیل عدالتخانه شدند. زمانی که تهران یکسره در اعتصاب

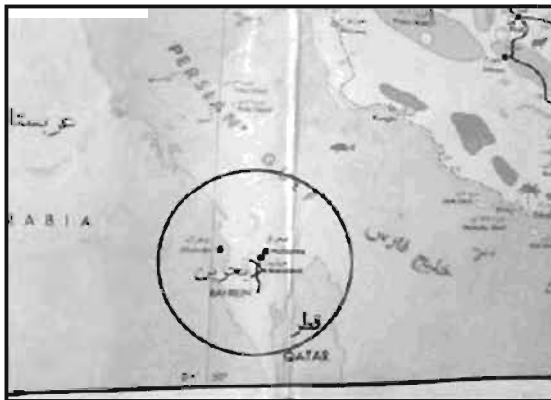
فرو رفت مظفرالدین شاه به طور ضمنی خواسته های مردم را قبول کرد، ولی وقتی به وعده عمل نکرد، روحانیونی چون سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی، رهبران مذهبی انقلاب، پیشاپیش مردم به قم رفتند. عده ای نیز در حرم عبدالعظیم تحصن کردند و شمار دیگری از مردم در سفارت انگلیس بست نشستند. در نتیجه ادامه ناآرامی ها در تهران و دیگر شهرها عین الدوله استعفاء داد و مشیرالدوله خوش نام صدر اعظم شد.

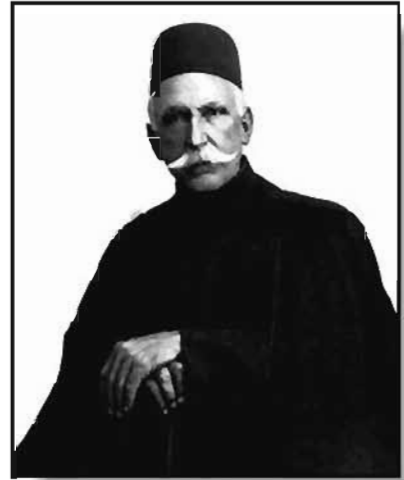
پس از چند ماه درگیری و کشمکش بین دربار و مشروطه خواهان، سرانجام مظفرالدین شاه در چهاردهم مرداد ۱۲۸۵ هجری شمسی با ایجاد مجلس و قانون اساسی موافقت نمود و فرمان مشروطیت را امضاء کرد. پس از صدور این فرمان علما و مردمی که در تحصن بودند به تهران بازگشتند و مردم کوچه ها و خیابان های تهران را چراغانی کرده و صدور فرمان مشروطیت را جشن گرفتند.

#### بیست و سوم امرداد- جدایی بحرین از ایران

اعلامیه استقلال بحرین از سوی سازمان ملل در بیست و سوم امرداد ماه ۱۳۵۰ برابر با چهارم آگوست ۱۹۷۱ میلادی منتشر شد و دولت ایران بلافاصله آن را به رسمیت شناخت. ایران قبلاً با انگلستان توافق نموده بود که در صورت حاکمیت بر جزایر تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی، استقلال بحرین را به رسمیت بشناسد.

قبل از آن شاه در مصاحبه ای مطبوعاتی در هند اعلام کرده بود که «اگر مردم بحرین خواهان پیوستن به کشورم نباشند، ایران از ادعاهای سرزمینی اش نسبت به این جزیره خلیج فارس دست خواهد کشید و چنانچه سیاست بین المللی خواهان آن باشد، ایران نیز خواست مردم بحرین را می پذیرد». پس از آن، مسأله استقلال بحرین به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شد و اوتانت، دبیر کل سازمان ملل، هیاتی را عازم بحرین نمود. هیات اعزامی در گزارشی به سازمان ملل اعلام کرد که هیچ گونه تلخکامی و خصومتی از سوی مردم بحرین نسبت به ایران و ایرانی ها مشاهده نشد و اظهار امیدواری نمود که ادعای مالکیت ایران بر بحرین یک باره و برای همیشه کنار رود. پس از تأیید و تصویب نهایی، استقلال بحرین به عنوان یک کشور عربی مستقل در سازمان ملل به ثبت رسید. مجلس شورای ملی ایران نیز قطعنامه سازمان ملل را در بیست و چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ با ۱۸۷ رأی مثبت و چهار رأی منفی به تصویب رساند. حاکم بحرین در آذر ماه همان سال به ایران آمد و موافقت نامه اولیه مربوط به فلات قاره بین دو کشور به امضاء رسید. بدین ترتیب بحرین به آخرین بخش جدا شده از خاک ایران در دوران معاصر تبدیل گردید.





بیست و هفتم امرداد - سالروز درگذشت  
کمال الملک

محمد غفاری معروف به کمال الملک نقاش نامی کشورمان و بنیان گذار هنرهای تجسمی نوین ایران در سال ۱۲۲۴ در شهر کاشان و در خانواده ای اهل هنر به دنیا آمد. از کودکی مورد حمایت و تشویق پدرش که در چاپ سنگی از نامداران زمان خود بود قرار گرفت. عمویش، صنایع الملک، نیز از نقاشان معروف عصر ناصرالدین شاه بود. محمد در نوجوانی وارد دربار ناصرالدین شاه شد و چند نقش و تابلو کشید که از معروفترین آنها می توان به تابلوی تالار آینه اشاره کرد که خلق آن موجب شد تا ناصرالدین شاه لقب کمال الملک را به وی ببخشد. پس از آن به اروپا رفت و چند سالی نزد نقاشان اروپایی تحصیل کرد و به مظالمه آثار نقاشان بزرگ اروپا پرداخت. کمال الملک پس از بازگشت به وطن، هنرستان صنایع مستظرفه را تأسیس کرد و مدیریت آن را عهده دار شد. وی پس از به قدرت رسیدن رضا شاه در سال ۱۳۰۷ به نیشابور رفت و سال های آخر عمر را به تنهایی در روستای حسین آباد این شهر گذراند.

کمال الملک در بیست و هفتم امرداد ماه سال ۱۳۱۹ در نود و پنج سالگی درگذشت. پیکر وی را در کنار آرامگاه فریدالدین عطار نیشابوری به خاک سپردند.

## بیست و هشتم امرداد: کودتا و سقوط دولت دکتر مصدق

ظهور مجدد دکتر مصدق در عرصه سیاست، پس از برکناری رضاشاه، باعث شد که وی برنامه های ضد انگلیسی اش را که سال های قبل از آن آغاز نموده بود، مجدداً از سر گیرد. تأسیس جبهه ملی و حضور موثر در مجلس شورای ملی، مصدق را بر آن داشت که به قضیه نفت سر و سامانی داده و آن را از مالکیت مطلق انگلستان خارج نماید. در نتیجه تلاش های وی، قانون ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ماه ۱۳۲۹ به تصویب مجلس ایران رسید. این در حالی بود که انگلستان دولت ایران را تهدید کرده بود که چون برخلاف قوانین بین المللی عمل کرده و قرارداد نفت ایران و انگلیس را بطور یک جانبه لغو نموده، شکایت خود را به مجامع بین المللی خواهد برد. مذاکرات بی دری بر سر نفت بی نتیجه ماند و دادگاه لاهه و جلسه شورای امنیت برای حل مسأله نفت تشکیل گردید. مصدق در لاهه و سازمان ملل از حقوق ایران دفاع نمود. شکست انگلستان در مجامع بین المللی موجب شد دولت برتانیا بیش از پیش با دکتر مصدق دشمنی بورزد. سرانجام دولت بریتانیا، با وعده شریک کردن شرکت های آمریکایی در سود نفت ایران، آمریکا را متقاعد نمود که همراه آنها طرح سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق را به اجرا در آورند. این طرح که در ابتدا شکل و ظاهر قانونی داشت (عزل مصدق و جانشین کردن دیگری به جای او توسط شاه) به شاه ابلاغ شد. شاه با تردید و تزلزل بسیار نهایتاً حکم عزل مصدق و جانشینی سپهبد فضل الله زاهدی را صادر نمود. در نیمه شب ۲۵ امرداد ۱۳۳۲، در حالی که برنامه کودتا به دقت تنظیم شده بود، دستخط شاه توسط سرهنگ نصیری، رئیس گارد شاهنشاهی، به مصدق ابلاغ شد. مصدق فرمان را گرفت و رسید داد و شبانه دستور

دستگیری نصیری را صادر کرد. شاه که در آن زمان در شمال کشور بود، با شنیدن خبر دستگیری نصیری، از همان جا به بغداد و سپس به رم پرواز کرد. روز ۲۸ مرداد، طرفداران مصدق که از این اقدام شاه علیه مصدق بسیار ناراضی بودند به خیابان ها ریخته و در حمایت از مصدق و بر علیه شاه به تظاهرات پرداختند.

سران کودتا و در رأس آنها برادران رشیدیان (عوامل انگلیسی کودتا در ایران) عده ای آشوب طلب را به سرکردگی شعبان جعفری (شعبان بی مخ) از جنوب تهران راهی مرکز شهر کردند. این عده با



همراهی افراد ضد مصدق و نظامیانی که با دریافت رشوه به شرکت در کودتا رضایت داده بودند، همراه با تانک و زره پوش به روزنامه های دولت و دفتر حزب توده یورش بردند. ساعاتی بعد زد و خوردهای خیابانی به اطراف خانه مصدق کشیده شد. در حالی که او باش و زنان بدنام تهران شعار «جاوید شاه» سر داده بودند، نظامیان طرفدار کودتا با تانک و مسلسل خانه دکتر مصدق را مورد حمله قرار داده و غارت کردند. مصدق به نیروهای نخست وزیری دستور عدم مقاومت داد و در خانه همسایه پناه گرفت. در غروب روز ۲۸ امرداد، رادیوی ملی فرمان عزل مصدق و نخست وزیری زاهدی را پخش کرد و کودتا به پیروزی رسید. مصدق در روز ۲۹ امرداد خود را تسلیم سپهبد زاهدی نمود و بازداشت شد. شاه از رم بازگشت و در پیامی این پیروزی را به مردم ایران تبریک گفت.